

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود

مهرانگیز پیوسته گر[✉]، زهره خسروی^{**} و الهه کرمی^{***}

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۹۷ زوج بود که این افراد با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. این پژوهش یک طرح توصیفی و از نوع همبستگی بود، برای سنجش میزان خشونت تجربه شده به وسیله زنان مورد مطالعه از پرسشنامه سنجش خشونت (حاج یحیی)، استفاده شد. برای سنجش سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار مردان از پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (کولینز و رید) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار (یانگ) استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد، بین سبک‌های دلبستگی ناایمن در مردان با خشونت آنها علیه همسران خود همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت. به علاوه بین طرحواره‌های انزوای اجتماعی، نقص/شرم، اطاعت و خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی، با خشونت آنها علیه همسران خود همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت. نتایج نشان داد سبک‌های دلبستگی ناایمن و طرحواره‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی خشونت دارند. بدین ترتیب از روی طرحواره‌های ناسازگار و کیفیت دلبستگی مردان می‌توان میزان خشونت آنها علیه همسران خود را پیش‌بینی کرد و با رویکرد طرحواره درمانی به آنها کمک کرد.

کلیدواژه‌ها: خشونت خانگی؛ سبک‌های دلبستگی؛ طرحواره‌های ناسازگار اولیه؛ مردان

مقدمه

خشونت مردان علیه همسران خود نوعی از خشونت خانگی^۱ محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از رفتارها می‌شود که فرد خشن برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر انجام می‌دهد. شاید جامع‌ترین تعریف برای خشونت خانگی عبارت است از «رفتارهای هجومی و سرکوبگرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی، روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی توسط مرد بالغ، نسبت به همسرش» (یانگ، مولوی و ادوارد،^۲ ۲۰۱۲).

گاریسیا^۳ (۲۰۰۵)، در پژوهشی گسترده در ۱۰ کشور، گزارشی از شیوع خشونت جسمی، جنسی و یا هر دو، توسط شریک جنسی تهیه کرد. نتایج پژوهش او نشان داد، در انگلیس و همچنین در جاهای دیگر اروپا ۲۳٪ زنان توسط همسر فعلی یا قبلی خود، ضرب و شتم جسمی شده بودند (اسروسکی،^۴ ۲۰۱۰).

برخی پژوهش‌ها وقوع خشونت خانگی و بدرفتاری نسبت به زنان در ایران را طیفی معادل ۳۰ تا ۸۰٪ ذکر کرده‌اند (اکبرزاده و مافی، ۱۳۸۴).

دانشمندان، تبیین‌های گوناگونی از خشونت خانگی^۵ را در قالب فرضیات و نظریات ارائه داده‌اند. در حوزه روان‌شناسی، محققان بر این عقیده‌اند که افراد خشن الگوهای تفکر خاصی دارند که موجب تداوم خشم در آن‌ها می‌شود (گاور، کاوکینن و فاکس،^۶ ۲۰۰۸). یانگ این الگوهای تفکر را طرحواره‌های ناسازگار اولیه ذکر می‌کند که می‌توانند باعث آسیب‌پذیری فرد نسبت به مشکلات روان‌شناختی شوند (دیکسون،^۷ ۲۰۱۱).

به نظر می‌رسد خشونت یکی از راهبردهای کنار آمدن است که فرد برای دوری از تأثیر منفی طرحواره‌های ناسازگار برانگیخته شده به کار می‌برد (جکسون،^۸ ۲۰۰۴).

1. family violence
2. Yang, Mulvey & Edward
3. Garcia
4. Osrowsky
5. domestic violence
6. Gover, Kaukinen & Fox
7. Dixon
8. Jackson

نتایج پژوهش باس و دانتلی^۱ (۲۰۱۱) نشان داد که شوهران همسر آزار به‌طور جالب توجهی، نمرات بالاتری در طرحواره‌های منفی، مقیاس‌های اختلال شخصیت مرزی^۲ و ضد اجتماعی^۳ به دست می‌آورند، به‌علاوه اغلب مشکلات آنها تحت تأثیر شیوه تصویری بود که آنها درباره خود و دیگران داشتند. براساس دیدگاه یانگ طرحواره‌های ناسازگار اولیه علاوه بر تأثیر بر شیوه تفکر، بر رفتار و سایر جنبه‌های زندگی فرد تأثیر می‌گذارند. روابط با همسر، یکی از جنبه‌های زندگی است (جکسون، ۲۰۰۴)؛ میسون، پلاتس و تیسون^۴ (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند که طرحواره ناسازگار «شکست» با احساس اعتماد به همسر و پیش‌بینی پذیر بودن رفتار شریک زندگی رابطه منفی دارد. این طرحواره به‌طور مستقیم با بدرفتاری و بی‌اعتمادی نسبت به همسر رابطه دارد. میسون و همکاران (۲۰۰۵) اظهار کرده‌اند، حضور طرحواره‌های ناسازگار اولیه مثل «محرومیت عاطفی» یا «نقص» به‌طور مستقیم و منفی با سازگاری زناشویی رابطه دارد. یانگ و همکاران (۲۰۱۲) اظهار کرده‌اند، افرادی که طرحواره «معیارهای سرسختانه» دارند از همسر خود به‌طور غیرواقع بینانه‌ای توقعات بالا دارند و زمانی که این توقعات برآورده نمی‌شود سرد و خشمگین می‌شوند. همچنین منفی‌گرایی آنها باعث می‌شود، در رابطه با همسر خود به‌جای ابراز صمیمیت به خویش‌داری اقدام کنند (نرداهی، هولد و هوگام^۵، ۲۰۰۵). حضور طرحواره‌های ناسازگار اولیه مثل طرد و بریدگی، نقص و شرم، معیارهای سرسختانه و بی‌اعتمادی در افراد پیش‌بینی‌کننده این است که نسبت به آنها در دوران کودکی بدرفتاری شده و در بزرگسالی با همسر و فرزندان خود با خشونت رفتار خواهند کرد (سامانتا و تومست^۶، ۲۰۱۳).

تئوری دلبستگی^۷، یکی دیگر از تئوری‌هایی است که خشونت مردان علیه همسران خود را تبیین می‌کند. در این دیدگاه، مهم‌ترین عامل مؤثر در خشونت علیه همسر سبک‌های دلبستگی

-
1. Buss & Duntley
 2. borderline
 3. anti social
 4. Mason, Platts & Tyson
 5. Nordahl, Holthe & Haugum
 6. Samanta & Tompsett
 7. attachment theory

ناایمن ذکر شده است (اسمیت، داگلاس، کری و وارد^۱، ۲۰۰۴). سبک‌های دلبستگی^۲ مانند طرحواره‌ها در کودکی شکل می‌گیرند و خانواده در ایجاد آن، نقش فراوانی ایفا می‌کند. پاسخ‌های مزمن به دلبستگی ناایمن، در بزرگسالی نمود پیدا می‌کنند و صفات مرتبط با شناخت‌ها و رفتارها را در روابط صمیمانه شامل می‌شوند (پیوسته‌گر، ۱۳۹۳). داتون و وایت^۳ (۲۰۱۲)، دلبستگی ناایمن را بزرگ‌ترین عامل روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده خشونت علیه همسر ذکر می‌کنند. زیرا افراد دلبسته‌ایمن عزت‌نفس بالا داشته و خود را در برابر مشکلات توانا می‌بینند. آن‌ها با همسرشان به راحتی رابطه صمیمانه برقرار می‌کنند (فولینگاستاد، برادلی، هلف و لاگلین^۴، ۲۰۰۲). پناغی، پیروزی، شیرین بیان، باقری (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند، میان مردان با درجات بالا و پایین خشونت علیه همسر در هر سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و اضطرابی/دوسوگرا) تفاوت معناداری وجود دارد.

به نظر فولینگاستاد و همکاران (۲۰۰۲)، سبک‌های ناایمن دلبستگی به خشونت نسبت به همسر منجر می‌شوند. به عنوان مثال، بزرگسالان با سبک دلبستگی اضطرابی ممکن است به دلیل انجام دادن رفتار خاصی در همسر خود، دچار احساس ترس از رهایی شوند. سبک دلبستگی ناایمن باعث می‌شود این افراد در مقایسه با اشخاص ایمن، کنترل کم‌تری بر تکانش‌ها و خشم خود داشته باشند (داتون و گودمن^۵، ۲۰۰۵). آن‌ها در چنین موقعیتی همسر خود را غیرقابل دسترس^۶ می‌دانند، لذا نسبت به همسر خود دست به خشونت می‌زنند.

گاور، کاونین و فاکس (۲۰۰۸) نیز طی مطالعه‌ای نشان دادند که مردان مرتکب خشونت نسبت به مردان غیرمرتکب، دارای شخصیت پرخاشگر و سبک‌های ناایمن دلبستگی هستند. نتایج پژوهش جانسون و لئو^۷ (۲۰۰۵) نشان داد افراد دلبسته ناایمن دارای اختلال شخصیت وابسته بوده، و این اختلال عاملی پیش‌بین درباره خشونت علیه شریک جنسی است. به عقیده این محققان داشتن اختلال شخصیت وابسته، احتمال اعمال خشونت را در گروه مرتکب

-
1. Smith, Douglas, Carrie & Ward
 2. attachment style
 3. Dutton & white
 4. Follingstad, Bradley, Helff & Laughlin
 5. Dutton & Goodman
 6. unavailable and nonsupportive
 7. johnson & Leo

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود ۱۱

خشونت علیه شریک جنسی از ۳/۲ به ۴/۶ افزایش می‌دهد.

در شرح‌حالی که پزشکان قانونی در بدو معاینه از قربانیان همسرآزاری گرفتند، اظهار کردند، که شوهران همسرآزار اغلب افرادی با شخصیت پرخاشگر هستند و بسیاری از آن‌ها به هنگام ابتلا به بیماری روانی، معمولاً از نوع افسردگی، به کتک‌زدن همسر خود اقدام می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۰).

از پیامدهای روانی تجربه خشونت همسر در زنان می‌توان به اختلالات افسردگی^۱، جسمانی‌سازی^۲، سوء مصرف مواد^۳، احساس بی‌کفایتی^۴، فقدان حرمت خود^۵، اختلال‌های خلقی و اضطرابی، به‌ویژه اختلال استرس پس از سانحه^۶، رفتارهای خودتخریبی^۷ و اقدام به خودکشی اشاره کرد (اکبرزاده و مافی، ۱۳۸۴).

با توجه به مباحث نظری و یافته‌های پژوهشی در این باره می‌توان به این نتیجه رسید که خشونت علیه زنان سلامت جسمی و روانی آن‌ها را تهدید می‌کند و خشونت خانگی محدود به همسر نیست، بلکه در سطح خانواده و جامعه می‌تواند بحران‌ساز باشد. براین اساس پژوهش حاضر در نظر دارد رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی را در مردانی بررسی کند که نسبت به همسران خود خشونت اعمال می‌کنند تا به این سؤال پاسخ بدهد که آیا با تغییر طرحواره‌های ناسازگار و سبک‌های دلبستگی مردان می‌توان از خشونت علیه زنان پیشگیری کرد؟

فرضیه‌های پژوهش عبارت هستند از:

۱. بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان با خشونت آن‌ها علیه همسران خود رابطه وجود دارد.

۲. بین سبک دلبستگی مردان با خشونت آن‌ها علیه همسران خود رابطه وجود دارد.

-
1. depression
 2. somatization
 3. drug abuse
 4. inadequacy
 5. self-esteem
 6. post traumatic stress disorder
 7. self-destructive

۳. نوع سبک دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی اعمال خشونت دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه ۱۹۷ زوج بودند؛ این افراد از میان مراجعه‌کنندگان به مجتمع قضایی خانواده به شیوه داوطلبانه انتخاب شدند. دامنه سنی آن‌ها بین ۲۶ الی ۵۶ سال بود. پرسشنامه‌ها را تک تک زوجین (زن و شوهر به صورت جدا) تکمیل کردند. از مجموع ۱۹۷ پرسشنامه، پرسشنامه‌های زوجینی مجزا شد که تجربه خشونت داشته و نمره‌ای بالاتر از میانگین کسب کرده بودند. از نکات رعایت شده در انجام این پژوهش، تمایل افراد به شرکت در پژوهش، آگاهی دادن به آن‌ها در خصوص علت اجرای پژوهش، محرمانه بودن اطلاعات فردی آن‌ها و همچنین آزاد بودن شرکت‌کننده از ادامه کار بود. به زوجین اطمینان داده شد، که پاسخ به پرسشنامه‌ها هیچ ارتباطی با پرونده دادگاه آن‌ها ندارد. در صورت موافقت زوجین، پرسشنامه‌ها به طور هم زمان و مجزا در اختیار زوج و زوجه قرار می‌گرفت و از آن‌ها درخواست می‌شد به دور از هم و بدون مشورت به سؤالات پاسخ گویند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

۱. پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان^۱: پرسشنامه‌ای ۳۲ ماده‌ای است و توسط حاج یحیی (۱۹۹۹) برای ارزیابی خشونت نسبت به زنان ساخته شده است. پرسشنامه حاج یحیی ۴ عامل خشونت روانی، جسمی، جنسی و اقتصادی را می‌سنجد. این پرسشنامه از چند پرسشنامه دیگر اقتباس شده است. در پژوهش‌های مختلف ضریب پایایی برای چهار عامل آزمون به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۹۹، ۰/۹۸ و ۰/۹۲ گزارش شده است (خسروی و خاقانی فرد، ۱۳۸۹). هر ماده پرسشنامه بر روی یک مقیاس ۳ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نمره صفر برای هرگز، نمره ۱ برای حداقل یکبار و نمره ۲ برای دو بار یا بیشتر. اعتبار پرسشنامه را در پژوهش حاضر چندتن از اساتید تأیید کردند و ضریب پایایی درونی آن یا «آلفای کرونباخ»، با استفاده از نمونه ۲۰ نفری، ۰/۸۷ به دست آمد.

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود ۱۳

۲. فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (SQ-SF)^۱: این پرسشنامه ۷۵ ماده دارد و یانگ (۱۹۸۸) آن را برای ارزیابی طرحواره‌های ناسازگار اولیه ساخته است. هر ماده بر اساس مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود، نمره صفر برای کاملاً غلط، نمره ۱ برای تقریباً غلط، نمره ۲ برای بیش‌تر درست است تا غلط، نمره ۳ برای اندکی درست، نمره ۴ برای تقریباً درست و نمره ۵ برای کاملاً درست. در این پرسشنامه، هر ۵ سؤال، یک طرحواره را می‌سنجد. طرحواره‌هایی که در این پژوهش بررسی شدند، به شرح زیر بودند: طرحواره رهاشدگی/بی‌ثباتی^۲، بدرفتاری سو استفاده^۳، نقص/شرم^۴، انزوای اجتماعی/بیگانگی^۵، وابستگی/بی‌کفایتی^۶، آسیب‌پذیری در برابر حادثه یا بیماری^۷، گرفتاری/توسعه‌نیافتگی^۸، شکست^۹، استحقاق/بزرگ‌منشی^{۱۰}، خود تحول‌نیافته/گرفتار^{۱۱}، اطاعت^{۱۲}، ایثار^{۱۳}، بازداری عاطفی^{۱۴}، معیارهای سرسختانه^{۱۵}، خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی^{۱۶}. این پرسشنامه را در ایران آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶) در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران هنجاریابی کردند. در پژوهش حاضر همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مؤنث، ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ به دست آمد.

۳. مقیاس دلبستگی بزرگسالان: این مقیاس را ابتدا در سال ۱۹۹۰، کولینز و رید^{۱۷} تهیه کردند و در سال ۱۹۹۶، بازننگری شد. این پرسشنامه ۱۸ عبارت دارد و در یک مقیاس لیکرت ۵

-
1. Schema questioner- short form
 2. abandonment / instability (AB)
 3. mistrust / abuse (MA)
 4. defectiveness / shame (DS)
 5. social isolation / alienation (SI)
 6. dependence / incompetence (DI)
 7. vulnerability to harm or illness (VH)
 8. enmeshment / undeveloped self (EM)
 9. failure To achieve (FA)
 10. entitlement / grandiosity (ET)
 11. insufficient self-control / self-discipline (IS)
 12. subjugation (SB)
 13. self-sacrifice (SS)
 14. emotional inhibition (EI)
 15. unrelenting standards / hyper criticalness (US)
 16. insufficient self-control / self-discipline (IS)
 17. Collins& Read

درجه‌ای و دارای سه زیر مقیاس وابستگی (D)^۱، نزدیکی (C)^۲ و اضطراب (A)^۳ است. خرده مقیاس اضطراب، با دلبستگی ناایمن دوسوگرا مطابقت دارد و خرده مقیاس نزدیکی در تطابق با دلبستگی ایمن بخش است و خرده مقیاس وابستگی را می‌توان عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در زیر مقیاس اضطراب (A)، (۰/۸۵)، وابستگی (D)، (۰/۷۸) و در زیر مقیاس نزدیک بودن (C)، (۰/۸۱) است (پاکدامن، ۱۳۸۰).

یافته‌ها

جدول ۱ فراوانی آزمودنی‌ها را به تفکیک سن، اشتغال و مقطع تحصیلی نشان می‌دهد. بر طبق نتایج جدول زیر، بیش‌ترین افراد مورد مطالعه تحصیلات دیپلم و کم‌تر دارند و بیش‌ترین آن‌ها بیکار هستند و در رده سنی ۲۶-۳۵ قرار دارند.

جدول ۱: ویژگی‌های نمونه مورد بررسی

ویژگی‌های نمونه	مردان		زنان	
	فراوانی	درصدفراوانی	فراوانی	درصدفراوانی
تحصیلات	۷۷	۳۹	۸۷	۴۴
	۵۵	۲۸	۴۰	۲۰
	۴۵	۲۳	۵۵	۲۸
اشتغال	۲۰	۱۰	۱۵	۸
	۴۷	۲۴	۱۵	۸
	۸۵	۴۳	۱۲۲	۶۲
رده سنی	۳۰	۱۵	۲۰	۱۰
	۱۰۸	۵۵	۱۰۰	۵۱
	۵۲	۲۶	۶۴	۳۲
۱۵	۸	۱۴	۷	

جدول ۲، شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در نمونه مورد مطالعه طرزحاره معیارهای سرسختانه از بیش‌ترین میانگین و

1. dependent
2. close
3. anxiety

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود ۱۵

طرحواره وابستگی از کم‌ترین میانگین بهره‌مند است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد طرحواره‌ها و سبک‌های دلبستگی در نمونه مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
محرومیت هیجانی	۲/۷۶	۱/۴۳	-۱/۷۹	-۰/۷۷
رهاشدگی	۲/۶۲	۱/۰۶	-۱/۸۳	-۱/۱۳
انزوای اجتماعی	۲/۲۵	۱/۷۲	-۱/۹۶	-۱/۲۵
نقص و شرم	۱/۸۱	۱/۲۰	-۱/۹۲	-۱/۲۰
شکست	۱/۶۸	۱/۴۲	-۱/۴۰	-۰/۵۷
وابستگی	۱/۰۷	۱/۱۴	-۰/۵۳	۰/۱۱
آسیب‌پذیری به ضرر خود تحول‌نیافته	۱/۳۳	۱/۱۲	-۰/۷۰	۰/۰۱
اطاعت	۲/۳۳	۱/۰۴	-۱/۹۴	-۱/۲۹
ایثار	۲/۹۵	۱/۳۱	-۰/۲۶	۰/۵۲
بازداری هیجانی	۱/۶۶	۱/۳۱	-۰/۳۳	۰/۵۲
معیارهای سرسختانه	۳/۲۱	۱/۱۴	-۱/۴۲	-۰/۶۶
استحقاق	۲/۹۷	۱/۳۶	-۱/۸۴	-۱/۰۲
خودانضباطی ناکافی	۲/۶۳	۰/۹۸	-۱/۷۲	-۱/۱۱
نزدیکی	۲/۱۵	۰/۵۳۳	۰/۴۴	۰/۷۹
وابستگی	۲/۶۸	۱/۱۸۹	-۱/۷۴	-۰/۹۹
اضطراب	۲/۸۳	۰/۸۸	-۰/۹۸	-۰/۶۱

به منظور بررسی، رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان با خشونت آن‌ها علیه همسران خود، با توجه به اینکه دو متغیر مورد مطالعه با استفاده از مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات انواع خشونت و ۱۵ طرحواره استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، بین چهار خرده مقیاس پرسشنامه خشونت و نیز خشونت کل با بسیاری از طرحواره‌ها رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). درجات همبستگی به‌ویژه برای طرحواره‌های انزوای اجتماعی، نقص/شرم، اطاعت و خویش‌ننداری/خودانضباطی ناکافی، با خشونت بالاست. رابطه معناداری بین چهار خرده مقیاس پرسشنامه خشونت با طرحواره‌های وابستگی، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری، خودتحول نیافته/گرفتار، ایثار و بازداری هیجانی دیده نشد.

در جدول ۳، ضرایب همبستگی میان نمرات طرحواره‌ها و انواع خشونت، کلیه اعداد جدول درصد ضرب شده‌اند.

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات انواع خشونت و ۱۵ طرحواره

عامل‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	
رهاندگی/ بی ثباتی																					
بدرقناری سواستفاده	۴۰																				
خود تحول نیافته/گرفتار	۳۶	۵۳																			
انزوای اجتماعی/بیگانگی	۴۸	۶۴	۵۳																		
نقص/شرم	۴۸	۶۵	۴۹	۸۱																	
شکست	۴۲	۵۷	۴۶	۶۴	۷۷																
وابستگی/بی کفایتی	۵	۲۶	۱۶	۳۰	۳۲	۴۴															
آسیب پذیری نسبت به بیماری	۱۰	۲۸	۲۲	۲۲	۱۷	۲۱	۶۱														
گرفتاری/توسعه نیافتگی	۳	-۲۲	۸	۱۲	۶	۷	۴۳	۴۴													
اطاعت	۵۲	۶۹	۵۱	۷۵	۷۴	۶۲	۲۷	۲۶	۱۷												
ایثار	۳	۳	-۹	-۱۸	-۲۷	-۳۲	۵	۳۰	۳۰	-۷											
بازداری عاطفی	۳	۳	۳	۱۹	۱۰	۱۵	۴۲	۴۸	۲۷	۱۰	۱۸										
معیارهای سرسختانه	۴۰	۵۲	۴۳	۴۹	۴۳	۳۶	۱۱	۲۷	۰/۰۹	۵۳	۱۴	۲۲									
استحقاق/بزرگ منشی	۳۵	۴۵	۴۲	۵۳	۴۰	۳۳	۵	۱۵	۵	۵۴	۵	۸	۵۳								
خوبنشن داری/خود انقباضی ناکافی	۴۷	۶۶	۴۷	۷۳	۷۶	۶۵	۳۷	۳۱	۱۹	۷۳	-۹	۱۴	۵۵	۵۳							
خشونت روانی	۵۰	۶۳	۴۷	۶۷	۷۰	۴۳	۱۰	۷	۷	۷۱	-۵	-۵	۴۸	۴۹	۶۴						
خشونت جسمانی	۴۵	۵۸	۳۹	۶۳	۶۲	۴۱	۱۲	۴	۴	۶۱	-۵	-۲	۵۰	۵۱	۶۲	۸۴					
خشونت جنسی	۴۰	۵۵	۶۵	۶۵	۶۳	۴۶	۵۳	۰/۸	۰/۸	۶۵	-۱۲	-۸۳	۴۲	۴۶	۵۹	۸۱	۶۶				
خشونت اقتصادی	۴۰	۵۸	۴۴	۶۵	۶۲	۴۵	۱۱	۶	۶	۶۸	-۶	-۸	۴۸	۴۸	۶۳	۸۷	۷۲	۸۱			
خشونت کلی	۶۴	۴۷	۲	۷۰	۷۱	۴۶	۱۱	۷۲	۷۲	-۷	-۴	-۵۲	۶۷	۶۶	۶۶	۷۷	۸۹	۶۷	۷۳		

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود ۱۷

به منظور بررسی رابطه بین سبک دلبستگی مردان با خشونت آن‌ها علیه همسران خود، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نمرات جدول ۴ نشان می‌دهد، میان خرده مقیاس نزدیکی (دلبستگی ایمن) و انواع زیر مقیاس‌های خشونت ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. به علاوه بین چهار خرده مقیاس خشونت خانگی با مقیاس وابستگی (عکس دلبستگی اجتنابی) رابطه معنادار ($p < 0/01$) و معکوس وجود دارد. همچنین بین تمامی انواع خشونت با مقیاس اضطراب رابطه مستقیم و معنادار ($P < 0/01$) وجود دارد.

جدول ۴: میزان ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات سبک‌های دلبستگی و انواع خشونت

عامل	نزدیکی	وابستگی	اضطراب	روانی	جسمی	جنسی	اقتصادی
۱	-						
۲	** -0/27	-					
۳	** -0/44	** 0/59	-				
۴	** -0/60	** -0/56	** 0/67	-			
۵	-0/13	** -0/53	** 0/60	** 0/48	-		
۶	** -0/51	** -0/49	** 0/61	** 0/81	** 0/66	-	
۷	-0/16	** -0/54	** 0/59	** 0/86	** 0/72	** 0/81	-

** همبستگی در سطح 0/01 معنادار است

با توجه به معنادار بودن ضریب همبستگی ابعاد طرحواره و سبک‌های دلبستگی با اعمال خشونت، برای تعیین نقش نوع سبک دلبستگی و حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار در پیش‌بینی اعمال خشونت از روش آماری تحلیل رگرسیون استفاده شد، که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون

معناداری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	رگرسیون
0/001	63/83	6/91	5	34/53	
		0/11	191	20/67	باقیمانده
			196	55/20	کل

جدول ۶: متغیر وابسته خشونت

خطای استاندارد برآورد	R	R ²	R
0/33	0/61	0/62	0/79

در جدول ۷ متغیرهای پیش‌بین به صورت همزمان وارد شده‌اند. نمرات جدول ۶ نشان می‌دهد، مجذور t تعدیل شده $۰/۶۲$ است، یعنی ۶۲% تغییر در متغیر ملاک را تبیین می‌کند. در جدول تحلیل واریانس مقدار معناداری $۰/۰۰۱$ است. بنابراین، در سطح کم‌تر از $۰/۰۰۱$ معنادار است. ضرایب بتا برای ارزیابی سهم هر یک از متغیرها در مدل اندازه‌ای را بر حسب انحراف استاندارد ارائه می‌دهد. مقادیر t بزرگ‌تر از $۱/۹۶$ و سطح معناداری زیر $۰/۰۵$ بیان‌کننده این است که متغیر پیش‌بین تأثیر زیادی بر متغیر ملاک دارد.

مقدار t جدول مربوط به متغیرهای اضطراب، نزدیکی و حوزه‌های اطاعت و خویشنداری، نقص و شرم و انزوای اجتماعی خودانضباطی ناکافی بزرگ‌تر از $۱/۹۶$ است. به عبارت دیگر متغیرهای مذکور نقش مهم‌تری در پیش‌بینی متغیر ملاک (اعمال خشونت) دارد.

جدول ۷: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه برای تعیین سهم تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

معناداری	t	β	خطای استاندارد	B	
۰/۱۷	۱/۳۵	-	۰/۱۹	۰/۲۵	ثابت
۰/۰۴	۲/۰۳*	۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۱۱	اضطراب
۰/۷۱	-۰/۳۶	-۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۰۲	وابستگی
۰/۰۱	-۴/۴۱**	-۰/۲۲	۰/۰۴	-۰/۲	نزدیکی
۰/۰۰۱	۸/۹۴**	۰/۶۱	۰/۰۳	۰/۲۸	اطاعت و خویشنداری
۰/۰۰۳	-۳/۰۵*	-۰/۱۷	۰/۰۴	-۰/۱۰	نقص و شرم
۰/۰۰۴	۲/۸۹*	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۰۱	انزوای اجتماعی
۰/۳۲	-۱	-۰/۰۵	۰/۰۳	-۰/۰۳	رهاشدگی
۰/۰۰۱	۳/۴۳**	۰/۲۳	۰/۰۳	۰/۱۱	خودانضباطی ناکافی

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان داد، بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردان و خشونت آن‌ها علیه همسران خود، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های یانگ و همکارانش (۱۹۹۹) همسو است. زیرا طرحواره‌ها هسته خود پنداره فرد را شکل داده و بر شیوه تعامل او با دیگران و محیط پیرامون فرد تأثیر می‌گذارند. طرحواره‌ها اندیشه، رفتار و روابط فرد با دیگران را تعیین می‌کنند

اگر طرحواره ناسازگار باشد، به طیف گسترده‌ای از مشکلات و نا کارآمدی‌های فردی و اجتماعی منجر می‌شود (یانگ و همکارانش، ۲۰۱۲).

نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج دیکسون (۲۰۱۱) نشان می‌دهد بین برخی طرحواره‌های ناسازگار نظیر اطاعت و خویش‌ننداری، نقص و شرم، انزوای اجتماعی، رهاشدگی و خودانضباطی ناکافی با خشونت مردان بیش‌ترین همبستگی دیده می‌شود. تمامی این عوامل در پیشینه پژوهش‌های محققان به‌عنوان عوامل خطر ساز در بروز خشونت مردان نسبت به همسران خود مطرح شده‌اند. طرحواره اطاعت یکی از طرحواره‌هایی است که در پژوهش حاضر، بیش‌ترین همبستگی با خشونت مردان را نشان داد. این طرحواره در حوزه دیگر جهت‌مندی قرار دارد. گرچه ممکن است در ابتدا تصور شود که این طرحواره با درجات پایین خشونت مردان همراه است، اما چون افراد با طرحواره اطاعت نسبت به واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران احساس اجبار می‌کنند، چنین طرحواره‌ای گاهی به بروز خشمی منجر می‌شود که در قالب یکسری نشانه‌های ناسازگارانه از جمله رفتارهای منفعل - پرخاشگرانه، طغیان‌های عاطفی کنترل‌نشده، علائم روان‌تنی، کناره‌گیری از عواطف، برون‌ریزی و سوء‌مصرف مواد آشکار می‌شود. بدین ترتیب نتایج این پژوهش با آنچه در پیشینه پژوهشی درخصوص ویژگی‌های روان‌شناختی خشونت‌ورزان به‌دست آمده، تطابق دارد (گاور، کاوکیین و فاکس، ۲۰۰۸). افراد با طرحواره طرد نیز رفتارهایی نظیر وابستگی زیاد، سلطه‌گری یا کنترل کردن همسر نشان می‌دهند. آن‌ها معتقد هستند هر لحظه احتمال دارد، افراد مهم زندگی آن‌ها، آن‌ها را ترک کنند یا به دیگری علاقه‌مند شود (نوردهای و همکاران، ۲۰۰۵). طرحواره نقص و شرم، طرحواره ناسازگار دیگری که با خشم مرتبط است. افراد با طرحواره نقص و شرم در مقایسه با همسن و سال‌های خود، خود را بی‌کفایت دانسته و بدون شک در دستیابی به حد معقول پیشرفت (در زمینه‌های تحصیلی، شغلی و ...) شکست خواهند خورد. چنین کسانی اغلب در مقایسه با دیگران عزت‌نفس پایین‌تری دارند. پژوهش‌های محققان، نشان داده است، بین عزت‌نفس پایین و خشونت خانگی علیه زنان رابطه مستحکمی وجود دارد (سمانتا و تومست، ۲۰۱۳). افراد با طرحواره معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی، نیز دارای قوانین انعطاف‌ناپذیر و بایدهای فراوان هستند. آن‌ها برای ارزیابی دیگران معیارهای بالایی دارند. حضور چنین طرحواره‌ای در حوزه روابط صمیمانه از جمله روابط زناشویی، فشار و تنش ایجاد می‌کند و به بروز خشونت

منجر می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین طرحواره ناسازگار انزوای اجتماعی با خشونت مردان علیه همسرشان همبستگی وجود دارد. به نظر می‌رسد کسانی که در فعالیت‌های اجتماعی خود را درگیر نمی‌کنند، از خانواده و دوستان حمایت کم‌تری دریافت می‌کنند. فقدان حمایت اجتماعی باعث کاهش رابطه با افرادی می‌شود، که نقش کمک و راهنمایی را برای اجرای نقش همسری ایفا می‌کنند. به علاوه افراد با حضور طرحواره ناسازگار انزوای اجتماعی، فاقد دلبستگی ایمن، گریزان از برقراری روابط صمیمانه با دیگران و معمولاً هنگام ایجاد روابط با دیگران نوعی بی‌ثباتی دارند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۵).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بین دو طرحواره ناسازگار استحقاق/بزرگ‌منشی و خویش‌داری ناکافی در حوزه محدودیت‌های مختل با بروز خشم رابطه وجود دارد. زیرا این دو طرحواره به بروز مشکلاتی در رابطه با رعایت حقوق دیگران، همکاری با دیگران، تعهد و رسیدن به اهداف واقع‌بینانه منجر می‌شوند. در طرحواره استحقاق، فرد حقوق ویژه‌ای برای خود قائل است و احساس می‌کند از دیگران بالاتر است. این افراد، گاهی اوقات برای آنکه بتوانند تمایلات خود را ارضا کنند، بدون همدلی با دیگران یا توجه به نیازها و احساسات آنها، به کنترل رفتارهای دیگران روی می‌آورند (یانگ، ۱۹۹۹). در نهایت، افرادی که خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی جزء طرحواره‌های آنهاست، در دستیابی به اهداف شخصی یا توانایی جلوگیری از بیان هیجان‌ها و تکانه‌های خود تحمل ناکامی را ندارند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۵). در نتیجه، درد را تحمل نمی‌کنند و زیاد به خودشان سخت نمی‌گیرند. آنها از مسئولیت‌پذیری گریزان هستند (آستروسکی، ۲۰۱۰؛ گل، ۲۰۰۸). عدم تحمل ناکامی عاملی است که می‌تواند در بروز خشونت بسیار مؤثر باشد. با این حال طرحواره‌های ناسازگار تمام دلایل خشونت را توجیه نمی‌کنند. سبک دلبستگی عامل دیگری است که در حوزه آسیب‌شناسی شخصیت خشونت‌ورزان مطرح می‌شود و زیربنای بسیاری از اختلالات روان‌شناختی و به نوعی مستعدکننده بروز خشونت است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد، همبستگی مثبت و معناداری بین نمره کلی خشونت (و تمامی خرده مقیاس‌های آن) با هردو سبک دلبستگی ناایمن وجود دارد.

براساس تئوری دلبستگی، سبک دلبستگی نشان می‌دهد که فرد با افراد نزدیک خود چگونه رفتار می‌کند (بالبی، ۱۹۸۸). اشخاص ایمن هنگام تعامل با دیگران به نیازهای خود و نیازهای

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی با خشونت مردان علیه همسران خود ۲۱

طرف مقابل توجه دارند (جانسون و همکاران، ۲۰۰۵). آن‌ها هنگام مواجهه با تعارضات نیز، رفتاری سازنده دارند. در نتیجه دوام و استحکام روابط صمیمانه آن‌ها طولانی‌تر است. همه این عوامل دست به دست هم داده و به افزایش رضایت زناشویی و کاهش اعمال خشونت در آن‌ها منجر می‌شود.

در مقابل اشخاص نایمن هنگام تعامل با دیگران احساس ناامنی می‌کنند. به همین دلیل، با دیگران روابطی بی‌ثبات، هیجانی و توأم با حسادت برقرار می‌کنند. آن‌ها به دلیل فقدان اطمینان به همسر و نیز افکار بدبینانه و حسادت، بیش‌تر دست به خشونت می‌زنند (اسکوماچر و همکاران، ۲۰۰۱). احساس حسادت، ترس از صمیمی‌شدن و رفتارهای متکی به خود که در افراد با سبک دلبستگی نایمن اجتنابی دیده می‌شود، باعث می‌شود خطر جویی و طلاق در آن‌ها افزایش یابد (فولینگاستاد و همکاران، ۲۰۰۲).

بنابراین، ایمن بودن یا نبودن دلبستگی با توانایی فرد برای معاشرت با دیگران و کنار آمدن با مشکلات خلقی و شرایط پرتنش در ارتباط است (داتون و وایت، ۲۰۱۲).

نتایج پژوهش حاضر هماهنگ با پژوهش اعزازی (۱۳۸۰) است. پژوهش او نشان می‌دهد، میان مردان با درجات بالا و پایین خشونت علیه همسر در هر سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و اضطرابی/دوسوگرا) تفاوت معناداری وجود دارد.

بر مبنای آنچه تاکنون در خصوص ارتباط بین عوامل مستعدکننده ارتکاب خشونت مطرح شد، سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار نقش پیش‌بین بالایی در ارتکاب خشونت از سوی مردان علیه همسرشان دارد. به همین دلیل نتایج این پژوهش در کنار روش‌های دیگر گامی در جهت تبیین خشونت خانگی بوده و تلویحات مهمی در زمینه‌های درمانی مردان خشن دارد. تا ضمن کمک به زنان خشونت دیده، سطح سلامت خانواده را نیز ارتقاء بخشد. به علاوه نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در مشاوره‌های پیش از ازدواج به کار برد. به طوری که با اجرای این پرسشنامه‌ها می‌توان سطوح این متغیرها را شناسایی کرده و جهت پیشگیری و مداخلات در خشونت خانگی برنامه‌هایی برای تغییر طرحواره‌های ناسازگار و سبک‌های نایمن دلبستگی برگزار کرد.

بدون شک پژوهش حاضر در محدوده خاصی انجام شده است و امکان کنترل تمامی متغیرهای مداخله‌گر در موقعیت پژوهش به دلیل وسعت این متغیرها وجود نداشت. لذا قابلیت

تعمیم آن به تمامی افراد کاهش می‌یابد. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس پرسشنامه (ابزار خود گزارش دهی) و نمونه‌گیری در دسترس بوده است، که این نوع فرایند جمع‌آوری اطلاعات ممکن است منشاء سوگیری تک بعدی قرار گیرد. با این حال در پژوهش حاضر این شیوه تنها وسیله گردآوری داده بود. زیرا بسیاری از زنان حتی پس از اطمینان دادن محقق از محرمانه ماندن پاسخ‌ها در ارتباط با شوهرانشان از افشا کردن خشونت (به‌ویژه خشونت جنسی) حتی در پرسشنامه اجتناب می‌کردند.

تشکر و قدردانی

در خاتمه از کلیه شرکت‌کنندگان که در اجرای پژوهش حاضر با ما همکاری کرده و در تکمیل پرسشنامه‌ها وقت گذاشته و دقت لازم به‌عمل آوردند تشکر و سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع

- آهی، قاسم، محمدی‌فر، محمد علی و بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های یانگ. *فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)*. ۵۴(۷۶)، ۵-۲۵.
- اکبرزاده، نسرين و مافی، مهوش (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی خشونت ورزان در خانواده. *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)*. ۲(۴ و ۵)، ۲۰-۵.
- اشتراوس، موری (۱۳۷۷). *بررسی جامعه‌شناختی پیشگیری و درمان کتک‌زدن زن‌ها*. ترجمه مهدی قراچه داغی. تهران: علمی.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). *خشونت خانوادگی « زنان کتک خورده »*. تهران: سالی.
- بابی، جان (۱۳۸۶). *نظریه دلبستگی*. ترجمه کتابیون صفرزاده خوشابی. تهران: دانژه.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی*، رساله دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران .
- پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۹۳). «شیوع رفتار خودآسیبی عمدی و رابطه آن با احساس تنهایی و سبک دلبستگی در دانش‌آموزان دختر». *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س)*. ۹(۳)، ۲۹-۵۲.
- خسروی، زهره و خاقانی‌فرد، میترا (۱۳۸۹). «مطالعه عوامل پیش‌بینی‌کننده خشونت علیه زنان در دو گروه مراجعه کننده به دادگاه‌ها و زنان گروه کنترل». *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. ۸(۳)، ۱۷۷-۱۹۳.
- یانگ، جفری، کلو سکو، ژانت و ویشار، مارجوری (۱۳۸۶). *طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: ارجمند.
- Ahi, G. Mohammadi far, M. Basharat, M. (2008). A construct validity The Early Maladaptive Schema Questionnaire-Short Form. *Tehran: Journal of psychology and education*. 54(76), 5-20, (Text in Persian).
- Akbarzadeh, N.& Mafi, M. (2006). Psychological Characteristics of Perpetrators of domestic violence. *Psychological Studies*. 1 (4), 71-86, (Text in Persian).
- Azazi, Sh. (1380). *Family violence "batterab women"*. Tehran: Saly Publication. (Text in Persian).
- Bowlby ,J. (1988) *A Secure Base: Attachment Theory*. Routledge: London.

- Buss , M. Duntley Joshua. D. (2011). the evolution of intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior*. 16: 411-419.
- Dixon. Louise. (2011) Understanding the nature and etiology of intimate partner violence. *Clinical Psychology Review*. 31: 1145-1155.
- Dutton. Donald .G, White . R. (2012). Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior*. 12: 23- 30.
- Dutton, M. A., & Goodman, L. A. (2005). Coercion in Intimate partner violence: Toward a new conceptualization. *Sex Roles*, 52, 743 – 756.
- Follingstad, D. R., Bradley, R. G., Helff, C. M., & Laughlin, J. E. (2002). A model for predicting dating violence: Anxious attachment, angry temperament, and need for relationship control. *Violence and Victims*, 17, 35-47.
- Garcia, C. (2005). WHO Multi-Country study on women’s and domestic violence against women. Geneva, World Health Organization.
- Gover, A. R., Kaukinen, C., & Fox, K. A. (2008). The relationship between violence in the family of origin and dating violence among college students. *Journal of Interpersonal Violence*, 23, 1667 -1693.
- Johnson, M. P., & Leo, J. M. (2005). The differential effects of intimate terrorism and situational couple's violence: Findings from the National Violence against Women Survey. *Journal of Family Issues*, 26, 322-349.
- Jackson, H. (2004). early maladaptive schemas in personality disorder individual, *journal of personality disorders*, 18,(5), 467- 479.
- Khosravi, Z., khaghani Fard, M. (2010). A study of predicting factors of violence against women(case study: women who refer to court, *Woman in Development and Politics*. 8(3) , 177-193. (Text in Persian).
- Mason, O., Platts, H., & Tyson, M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment In a UK clinical population: *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 78, 549-564.
- Nordahl, H. M., Holthe, H., & Haugum, J. A. (2005). Early maladaptive schemas in patients with or without personality disorders: does schema modification predict symptomatic relief? *Clinical Psychology Psychotherapy*, 12, 142-149.
- Osrowsky. K. (2010). Are violent people more likely to have low self-esteem or high self-esteem? *Aggression and Violent Behavior*, 15: 69-75.
- Pakdaman, Sh. (2001). *A study of relation between attachment and community-minded in adolescence*, PhD dissertation. Shahid Beheshti University, (Text in Persian).
- Pyvastegar, M. (1393). The rate of deliberate self- harming in girl students and relationship with loneliness & Attachment styles. *Psychological Studies, Faculty of Education and Psychology of Alzahra University*, 9 (3), 29-52 (Text in Persian).
- Samanta, L. & Tompsett J. (2013). Childhood Maltreatment as a Predictor of Subsequent Interpersonal Problems in Young Adult Relationships: The Mediating Role of Maladaptive Schemas. *Journal of Clinical Psychology*, 53, 319-329.
- Smith, S .M, Douglas. B., Carrie. E., Ward. D. (2004). Intimate partner physical abuse perpetration and victimization risk factors: A Meta – analytic review.

۲۵ رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دل‌بستگی با خشونت مردان علیه همسران خود

Aggression and violent behavior, 10, 65-68.

Yang, S., Mulvey, P. Edward. (2012). Violence risk: Re-defining variables from the first-person perspective. *Aggression and Violent Behavior*. 17: 198-207.

Young, J., Klosko, J., Weishoar, M. (1999). Schema of depression. New York: John Wiley

Young, J., Klosko, J. & Weishoar, M. (2003). *Schema Therapy: a practitioner's guide*. Translated by Hassan Hamidpour and Zahra Andouz. Tehran: Arjmand Publications.

**The relation between Early Maladaptive
Schemas and Attachment Styles with Male
violence against Their Wives**

Mehrangiz Payvastegar*, Zohre Khosravi** & Elahe Karami***

Abstract

The purpose of this study was considering the relation between early maladaptive schemas and Attachment Styles with Male violence against Their Wives. Participants included 197 couples who dwelt, They were selected through accessible sampling method. Women completed the violence measure questionnaires which were composed by HajjYahya.Husbands also completed Reed & Collin's adult attachment style questionnaires, and short form of Yang Maladaptive schemas. The result of research showed that there was a positive and significant correlation between insecure attachment styles and men's domestic violence against their wives. Also there were positive and significance correlation between the schemas of insufficient, self-control / self-discipline, defectiveness / shame, social isolation and subjugation with violence too. Regression variance analysis also showed that attachment styles and maladaptive schemas had definitive role in violence prediction. The results suggest, according to maladaptive schemas and quality of attachment in men can be predicted violence against their wives and helping them with the approach of schema therapy.

*Key words:*domestic violence; attachment style; early maladaptive schemas

* Associate Professor, Alzahra University

** Professor, Alzahra University

*** M.A. Alzahra University

Reseived:2015/4/25

Accepted:2016/6/8